

# ارزش‌های مشترک (اسلام و دموکراسی غربی)

طارق رمضان / حمید بهشتی

نامه، ش ۲۵، دی ۸۴

**چکیده:** گفت‌وگوی مجله آمریکایی time، با طارق رمضان، در محورهای مختلف همچون نقش اسلام در ناآرامی‌های فرانسه، سازگاری اسلام و دموکراسی، ارتداد، حقوق زن و....

اشپیگل: به نظر شما بیان این اغتشاشات در محلات فرانسه چیست؟

رمضان: اسلام ربطی به این طغیان‌ها ندارد. دین اسلام مدت‌هاست که در فرانسه ریشه دوانده و مشکل مذهب نیز در این کشور، حل شده است. اسلام به هیچ وجه، برای آینده فرانسه خطرزا نیست. این یک مشکل اجتماعی است که برای یکپارچگی این جمهوری حقیقتاً خطرناک است. سیاست‌مداران از چپ تا راست، این حقیقت را درک نمی‌کنند. آنها با مقصر قلمداد کردن اسلام به جای ریشه‌یابی مشکلات، مردمی که آن‌را انتخاب کرده‌اند، فریب می‌دهند.

اشپیگل: هیچ کس انکار نمی‌کند که، این شکاف اجتماعی تا چه میزان عمیق است. اما جایگاه این شکاف در راستای مرزهای مذهبی و قومی قرار دارد. سؤال این است که، آیا اسلام موجب و محرک جدایی‌های اجتماعی و ایجاد جوامع بسته قومی نیست؟

رمضان: یکپارچگی و برابری که در شعارهای سیاسی فرانسه سرداده شده و تا مرز سرمستی نیز تکرار می‌شود، در واقعیت اجتماعی، فریبی بزرگ، افسانه است و مجادلات

بازتاب اندیشه ۷۱

۳۰  
ارزش‌های  
مشترک  
(اسلام و  
دموکراسی  
غربی)

مطروحه درباره اسلام و جذب مهاجران در اجتماع، فقط در خدمت ایجاد ترس میان مردم است. این رویکردهای ایدئولوژیک است که، به سیاستمداران فرصت می‌دهد تا از توجه به واقعیات، روی برتابند.

اشپیگل: بسیار خوب! اما آیا در کنار ایراداتی که شما می‌گیرید، اشاره‌ای نیز از انتقاد به خود وجود دارد؟ آیا مهاجران مسلمان می‌کشند جذب جامعه فرانسه شوند یا اینکه بیشتر خواهان جدایی از آن هستند؟

رمضان: اسلامی جلوه‌دادن این مشکل اجتماعی، محتوای گفتمان سیاسی را تنزل می‌داده و به انحراف می‌کشاند، اکثریت عظیم مسلمانان در اروپا، برای این واقعیت بسیار ارزش قائل هستند که در کشورهای مبتنی بر قانون اساسی، تحت حاکمیت قانون و در نظامی دموکراتیک به سر می‌برند، نظامی که آزادی وجدانی و مذهبی آنها را تأمین می‌کند. اما پایه‌های اعتماد آنها غالباً مخدوش شده و وحشت از نژادپرستی، فرانسه، انگلستان، هلند و آلمان را در برگرفته است. با نسل‌های دوم، سوم و چهارم مهاجران نباید دیگر همچون کودکان بخش‌های جدا شده‌ای از اجتماع معامله شود، آنها نباید مورد تبعیض قرار گیرند و به سان ولگردان و نسل وحشی به حساب آیند.

اشپیگل: از این‌ها گذشته، چه امری مانع جذب شدن مسلمانان به جامعه می‌شود، که در مقایسه با مهاجران لهستانی، ایتالیایی، اسپانیایی و پرتغالی تا این اندازه مشکل زاست؟

رمضان: به نظر من، این امر بستگی به دو عامل دارد: یکی اینکه این مهاجرت، دیگر هرازگاهی و ناگهانی نیست، بلکه تداوم دارد، که این به کمیت مشکل مربوط می‌شود. دوم، کیفیت آن است. برای مهاجران مسلمان، دین آنها از موطنشان غیرقابل انفکاک و با هویت آنها در رابطه است. آنها این احساس را دارند، در صورتی که از مراکشی یا الجزایری بودن به یک فرد فرانسوی تبدیل شوند، مسلمان خوبی نخواهند بود. این موضوع، جذب آنها را به اجتماع دچار مشکل می‌کند، زیرا ظاهراً این انتخاب را در مقابل مسلمان‌ها قرار می‌دهد که یا هویت خود را رها کنند یا اینکه انزوای خود را بپذیرند.

اشپیگل: در این بین، مرز میان تحجر و تعقل از یک سو و پای‌بندی به سنت و پذیرایی تحول از سوی دیگر کجاست؟

رمضان: هسته غیر قابل تغییر در اسلام به سادگی قابل درک است: شهادت [به وحدانیت خدا و پیامبری محمد]، نماز، زکات و روزه، جز این‌ها، سایر امور تفسیر پذیرند و قابل تحول

نسبت به زمان و مکان.

اشپیگل: راستی که خیلی ساده به نظر می‌رسد، اما برای نمونه به یک مسئله دقت کنیم: آیا مسلمان حق دارد اسلام را ترک کند؟

رمضان: به نظر اکثریت قرآن‌شناسان، مسلمان مجاز به این کار نیست. اما به هنگام حرام شدن ارتداد، یعنی زمانی که مسلمانان و پیامبر به درگیری‌های نظامی با قبایل مجاور مشغول بودند، تغییر مذهب با فرار از جبهه و خیانت معادل بود. امروزه این زمینه به کلی تغییر یافته است. اشپیگل: و غالباً به شدت نیز جریمه می‌شود! نظر شما درباره برابری حقوق زن و مرد چیست؟

رمضان: ما به فمینیسم اسلامی نیاز داریم. نگرش اسلام سنتی به زن، در نقش مادر، همسر، دختر و خواهر خلاصه می‌شود. زن در این نقش و وظایف و حقوقی دارد. اما ما باید به جایی برسیم که بدون اجبار زندگی خویش را بگردانند.

اشپیگل: آیا اسلام یک گرایش درونی به خشونت دارد؟ آیا چنین نیست که بسیاری کسان، جهاد را از اجزای غیر قابل انفکاک و لازم برای دفاع از اسلام می‌دانند؟

رمضان: آیا جنگ‌های صلیبی از اجزای غیر قابل انفکاک مسیحیت است؟ نه! هر جامعه‌ای حق دارد از خودش دفاع کند. فلسطینی‌ها حق دارند به خاطر به دست آوردن حاکمیت خود بر علیه اسرائیل، مبارزه کنند. اما این هدف، به کار بردن هر وسیله‌ای را توجیه نمی‌کند. هیچ چیز کشتن غیر نظامیان بی‌گناه را مشروع نمی‌کند. سوء قصد کننده‌ای که خودش را منفجر کرده و کودکان اسرائیلی را تکه پاره می‌کند، حق ندارد خود را شهید بداند، مسئله فلسطین، مسئله اسلامی نیست!

اشپیگل: آیا اصلاحات و تحول اسلامی که منظور شماست، در نقطه‌ای از جهان آغاز شده؟

رمضان: در اروپا، اولین اقدامات می‌بایست در این قاره آغاز شود و از آنجا به کشورهای عربی راه یابد. یک رشته مشترکاتی میان ارزش‌ها در دموکراسی‌های غربی و ارزش‌های اسلامی وجود دارد: حکومت مبتنی بر قانون اساسی و قانون‌مدار، برابری حقوقی شهروندان، حق عموم برای شرکت در انتخابات، حق تغییر قدرت، تفکیک میان حوزه‌های عمومی و خصوصی، این‌ها اصول زیربنایی هستند که البته در قرآن به صراحت ذکری از آنها نیامده است، اما به نظر من با سنت اسلامی در تعارض نیستند.

بازتاب اندیشه ۷۰

۳۲

ارزش‌های  
مشترک  
(اسلام و  
دموکراسی  
غربی)

اشپیگل: آیا شما گاه گاهی به این فکر نمی‌افتید که خودتان حزبی، اتحادیه‌ای یا جنبشی را تأسیس کنید؟

رمضان: جهان اسلام در خیال و جست‌وجوی رهبری قوی است و این اشتباهی بزرگ است. ما به رهبران قوی نیاز نداریم، بلکه به پیش‌قراولان فکری که جرأت گشودن راه را داشته باشند، نیاز مندیم.

## ● اشاره

۱. آقای طارق رمضان در عین اینکه توانسته است، در برابر سؤالاتی محکوم‌کننده از طرف خبرنگار آمریکایی به طور قابل‌تحسین از آموزه‌های اسلامی دفاع کند و آن مبری از کشاندن جامعه به سوی درگیری داخلی کند، ولی در عین حال می‌توان گفت، در برخی موارد، پاسخ‌هایی قابل‌تأمل ارائه کرده‌اند: البته اینکه فرد مسلمان حاضر نیست یک‌سری از اعمال را مانند بی‌حجابی که از نظر شریعت او منع شده‌اند انجام دهد، یک امر طبیعی است و هیچ ضرری به نظام اجتماعی نمی‌زند، خصوصاً در جامعه‌ای که ادعای آزادی اندیشه و عقیده دارد.

۲. تفسیر ایشان از ارتداد، یک استنباط ظنی است. ثانیاً: مستند کردن احکام به چنین امورات عین و آنی، دور از فلسفه دین اسلام است، که مدعی جهانی و ابدی بودن احکامش هست. ثالثاً: حکم مرتد اختصاصی به دین اسلام ندارد. رابعاً این حکم، در صورتی است که شخص در صدد به تشنج کشیدن جامعه و آسیب رساندن به جامعه باشد.

۳. اینکه طارق رمضان حق دفاع را، برای فلسطینی‌ها مسلم شمرده، یک امر مطلوب است. اما عملیات شهادت‌طلبانه و انتحاری فلسطینیان را به نادرستی نقد می‌کنند. اینکه در بعضی مواقع دیده می‌شود فلسطینیان دست به عملیات انتحاری می‌زنند، چیزی نیست که بتوان گفت اینان، خشونت‌طلب و ضد بشریت و انسانیت هستند، بلکه این تنها راهی است که نظام بین‌الملل موجود، جلوی پایشان به عنوان راه نجات و کسب حق، قرار داده است؛ زیرا اینان در هر حالی خود را در معرض مرگ می‌طلبند. از سوی دیگر این اقدام چیز تازه‌ای و مختص ملل اسلامی نیست بلکه در دیگر ملل هم، شاهد آن بوده‌ایم. در جنگ بین ژاپن و آمریکا آنچه که آمریکا را ناتوان و خسته کرد چیزی نبوده است، مگر حملات انتحاری خلبان‌های ژاپنی و آیا این چیزی غیر از دفاع از حق و مملکت خود است؟

۴. نکته دیگر، نفی ضرورت رهبری دینی از سوی ایشان است، بدون شک هر مکتبی و دینی در صورتی می‌تواند در جامعه تحقق یابد که بتواند علاوه بر اقبال مردمی، از تجاوزات معاندان جلوگیری کند و قدرت را برای تحقق آرمان‌های خود با همکاری مردم به‌کار گیرد.